



کتاب‌های درسی در ایران

استاد اسفندیار معتمدی، متولد ۱۳۱۷ در شهرستان لنجان، استان اصفهان، نویسنده، مترجم، پژوهشگر تاریخ آموزش و پرورش ایران و از معلمان با سابقه آموزش فیزیک هستند. ایشان از همکاران طرح نوبن آموزش علوم در ایران هستند و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب برای دانش‌آموزان و معلمان تألیف یا ترجمه کرده‌اند.

حدود دو قرن پیش، میان ایران و روسیه جنگ‌های نسبتاً طولانی در گرفت. با وجود شادت‌های سربازان ایرانی در حفظ کشور، شکست خفت باری نصیب ارتش شد و سرزمین‌های گرجستان و قفقاز از بدنه ایران جدا شدند. همین شکست و بستن دو عهدنامه ننگین «گلستان» و «تورکمانچای»، ایرانیان را که گذشته پرافتخار این سرزمین را می‌شناختند و به آینده آن امید داشتند با پرسش‌های جدی روبه‌رو کرد: لشکریان روسیه چه داشتند که ما نداشتیم؟ چگونه می‌توانیم نیرومند شویم و شکست و عقب ماندگی خود را جبران کنیم؟

اندیشمندان و اصلاح‌طلبان جامعه، وجود نظم، قانون و داشتن علم و فناوری‌های جدید را عامل پیروزی تشخیص دادند و چاره کار را دست یافتن به آنها از راه تأسیس مراکز علمی و فنی، استخدام معلمان و مشاوران خارجی، اعزام محصل به خارج کشور، انتشار روزنامه، ترجمه و تألیف کتاب‌های علمی و فنی و برقراری ارتباط با کشورهای پیشرفته یافتند و برای عملی کردن این کارها به دنبال فرصت بودند.

تأسیس دارالفنون

با روی کار آمدن میرزا تقی خان امیرکبیر در دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ ه. ق) اقدامات اصلاحی همه‌جانبه‌ای در کشور آغاز شد که تأسیس دارالفنون و آغاز آموزش علوم و فنون جدید در ایران یکی از آنها بود. دارالفنون به ساختمان، معلم، برنامه، کتاب درسی، وسایل کار و بودجه نیاز داشت که آن‌ها را امیرکبیر برنامه‌ریزی کرد.

ابتدا امیرکبیر زمین ساختمان را نزدیک کاخ‌های سلطنتی و در مجاورت میدان توپخانه از هر جای دیگری مناسب‌تر تشخیص داد و پس از موافقت شاه از میرزا رضاخان مهندس تبریزی^۱ خواست نقشه ساختمان را تهیه کند. میرزا رضاخان نقشه عمارت را شبیه سربازخانه‌ای که در انگلیس دیده بود ترسیم و آماده کرد. معمار ساختمان، استاد محمد تقی معمارباشی جد مادری کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه بود که طی دو سال (از ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸) ساختمان را به پایان رساند.

امیرکبیر به پیشرفت کار ساختمان و آغاز به کار مدرسه بسیار علاقمند بود. به طوری که هر وقت فرصتی می‌یافت به سرکشی ساختمان و کار بنایان می‌پرداخت. همزمان با شروع کار ساختمان مدرسه، امیرکبیر از داودخان، که زبان فرانسه می‌دانست، درخواست کرد به اتریش برود و شش نفر معلم دانا و ماهر اتریشی^۲ را برای شش سال استخدام کند و حقوق هر معلم را با هزینه

رفت و آمد سالانه حداکثر چهار هزار و چهارصد تومان مشخص کند.

داودخان، مترجم اول دولت علیه ایران، پس از سفر به اتریش هفت معلم، استخدام کرد و به ایران فرستاد. پنج نفر از استادان درست‌دوروز پس از عزل امیرکبیر از صدارت به تهران رسیدند و استقبال شایسته‌ای از آن‌ها نشد. این استادان رشته‌های پیاده‌نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و معدن را دایر کردند.^۳

در آن زمان افرادی که بتوانند در کلاس درس این استادان آموزش لازم را دریافت کنند وجود نداشت. نزدیک به ۱۵۰ نفر جوان بین چهارده تا شانزده ساله که توانایی خواندن و نوشتن داشتند و اغلب از خانواده‌های اعیان و شاهزادگان بودند برای آموزش در دارالفنون انتخاب شدند. البته این گروه آمادگی یادگیری نداشتند و استادان هم به زبان خارجی (اغلب به فرانسه) تدریس می‌کردند و مترجمان به طور همزمان مطالب آنان را ترجمه می‌کردند. این کار با مشکلات و مسائلی فراوانی همراه بود. با وجود این، استادان خارجی، مردان تجربه و عمل بودند و آموزش‌های آنان عملی و تجربی بود.

نخستین کتاب‌های درسی را، پس از چند سال که استادان خارجی در کلاس‌ها به طور عملی تدریس کرده بودند، مترجمان آنان با استفاده از یادداشت‌هایی که خود آماده ساخته بودند و یا کتاب‌هایی که آن استادان از خارج آورده یا در ایران نوشته بودند، فراهم آوردند. آن کتاب‌ها در چاپخانه دارالفنون^۴ به صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت.

علاقه و پشتکار اولین گروه معلمان ایرانی و خارجی دارالفنون بسیار چشمگیر بود. آنان همه لوازم کار خود، اعم از کتاب، آزمایشگاه، کارگاه، عکاسخانه و چاپخانه را خودشان تهیه می‌کردند و با آن که دانشجویان آنان شاهزادگان و درباریان بودند که آمادگی و پشتکار لازم را نداشتند، باز هم توانستند دانش‌آموزگانی تربیت کنند که برای آنان جانشینان شایسته‌ای باشند.

نخستین مشکلی که برای تهیه کتاب‌های درسی وجود داشت (و در طول این ۱۵۰ سال اخیر کم و بیش وجود داشته است) نداشتن اصطلاحات علمی تعریف شده‌ای بود که به جای واژه‌های خارجی به کار می‌رود. نداشتن کاغذ و مرکب مرغوب، فقدان استادکار ماهر و تجهیزات ناقص از دیگر مشکلاتی بود که با مدیریت و کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه^۵ وزیر علوم و رضاقلی هدایت^۶ ناظم و سرپرست مدرسه برطرف شد. گفتنی است که نخستین مدیران دارالفنون از دانشمندان ترین و آگاه‌ترین اشخاص عصر خود بودند و همین مدیریت آگاهانه سبب شد که استادان خارجی هر سال یک کتاب بنویسند و مترجمان ایران آن‌ها را به فارسی برگردانند. چند نمونه از نخستین کتاب‌هایی که در دارالفنون تدریس می‌شد عبارتند از:

۱. میزان الحساب، تألیف موسیو کریشیش، ترجمه: محمد زکی مازندرانی، تهران: دارالفنون ۱۲۷۴ ق.
۲. فیزیک، کریشیش نمساوی، ترجمه: میرزا محمد زکی مازندرانی، تهران: دارالفنون ۱۲۷۴ ق.

در ایران تأسیس شد. ملاحظه می شود که دارالفنون هنگام تأسیس پیش نیازهای خود را نداشته و از این رو انتظاری که از آن می رفت حاصل نشد. میرزا حسن رشدیه^{۱۱} پس از این که مدرسه‌ای را در ایروان تأسیس کرد و مورد توجه ایرانیان قرار گرفت، تشویق شد تا مدرسه‌ای در تبریز بگشاید. گرچه این مدرسه مورد استقبال مردم قرار گرفت، چندین بار بسته و رشديه متواری شد. اما هر بار عشق به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی او را به تحمل سختی‌ها وادار کرد به طوری که نام او زینت بخش تاریخ آموزش و پرورش کشور شد.

آن مدرسه علاوه بر تدریس کودکان به مردان بی سواد ۲۵ تا ۴۰ ساله هم آموزش می داد به طوری که آنان طی ۹۰ ساعت تدریس، خواندن و نوشتن را فرامی گرفتند. چندی بعد رشديه به تهران رفت و کار خود را دنبال کرد.

میرزا حسن رشديه نخستین مؤلف کتاب‌های درسی ابتدایی در ایران است. از او ۲۷ کتاب چاپ شده موجود است که بعضی از آنها عبارت اند از:

۱. **بدایه‌التعلیم، این کتاب را برای نوآموزان سال اول ابتدایی در سه جلد نوشته است. جلد اول برای دو ماه اول، جلد دوم و سوم برای پنج ماه آخر.**

۲. **نهایه‌التعلیم، جلد اول درس فارسی و جلد دوم شامل مطالب علمی.**

۳. **کفایه‌التعلیم، برای آموزش املا فارسی.**

۴. **هدایه‌التعلیم، برای تربیت معلم.**

۵. **اخلاق، برای شش کلاس دبستان.**

رشدیه این کتاب‌ها را با هزینه خود چاپ می کرد و در اختیار دانش آموزان قرار می داد. جالب است بدانیم که رشديه برای اداره مدرسه، نظام نامه‌ای نوشته که شامل ۴۱ فصل است و هر فصل به یک موضوع اختصاص دارد. مثلاً در تکالیف مدیران مدارس ابتدایی می نویسد:^{۱۲}

- مدیر مدرسه در قبول متعلم اگر فقط شهری را منظور بدارد بیسی ظلم کرده است.

- مدیر مدرسه باید شهریه را محض استقلال تعلیم و تربیت اخذ نماید، زیرا که مطالبات اجرت برای تعلیم حرام است.

- مدیر مدرسه اگر نتواند از حالات دروس عموم متعلمین مستحضر شود، مدرسه را تعطیل نماید که وبالش تخفیف یابد.

در سال‌های بعد مدارس ویژه‌ای در تهران و شهرستان‌ها دایر شد و کتاب‌های درسی را مؤسسان، مدیران و معلمان این مدارس تألیف و منتشر کردند.^{۱۳} نمونه کتاب‌هایی که در دوره ابتدایی تدریس می شد عبارت اند از:

- کتاب علمی در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزا یحیی دولت‌آبادی

- تعلیم الاطفال در الفبا و قرائت فارسی از میرزا محمودخان مفتاح‌الملک

کتابی هم در جغرافیا جمع و تألیف کردم و در اصفهان به طبع رساندم.

البته مشخص می شود که در همان زمان هم به معلم و مؤلف توجه نمی شده است به طوری که همین نویسنده کتاب درسی می نویسد:

نظر به این که حقوقی که از مدرسه به امثال بنده داده می شود کافی برای امرار معاش نبود و مقارن این احوال بانک شاهنشاهی ایران و معادن در شرف تأسیس بود... این بنده هم از آن تاریخ وارد بانک شاهنشاهی شدم.

بعضی از معلمان دارالفنون

مهدی قلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه) می نویسد:

در دوره اول دارالفنون معلمینی بوده اند که از همه آثار جدید باقی است و بعدها آن دلسوزی را در کنار نداشتند. «کریشش»، معلم توپخانه و ریاضی بوده، میرزا زکی پسر حاجی میرزا آقای مازندرانی که به پاریس رفته بوده و فرانسه می دانسته مترجم او بوده است. دکتر «پولاک»، معلم طب و جراحی به مترجمی محمد حسین خان قاجار، چون کلوکه (cloquet) فرانسوی فوت می کند، حکیم باشی مخصوص می شود. «شلیمر نمساوی»، به جای او به تدریس طب می پردازد. این شلیمر قزاق‌بیتی کتاب داروشناسی در طب و نباتات نوشته است که چاپ شده. مقدم، اسم لاتینی نباتات است، مترجم به فرانسه، انگلیسی و آلمانی در اول کتاب اسامی فارسی و عربی را مرادف کرده است و حواله به صفحات کتاب. الحق نسخه‌ای پر ارزش است و جا دارد که تجدید چاپ شود.^{۱۴}

این شلیمر سعی می کرده است بلور بسازد و نمی شده است گفتند:

ای شلیمر یک زمان در کار خود اندیشه کن گر نمی گردد بلور این کوزه آن را شیشه کن همین نویسنده سال‌ها بعد که تعداد مدارس زیاد می شود و دیگر از استادان خارجی اثری نیست می نویسد:

برنامه مدارس ما صحیح نیست هنوز یک مدرسه با تمام ملزومات نداریم و مدرسه زیاد می کنیم و چینی ناقص می سازیم. از هر طبقه در مدارس قبول می کنیم و یک رقم تدریس، ادارات ما روز به روز پر می شود از اجزایی که طرف حاجت نیستند. چند سال است که مدرسه فلاح داریم، یک نفر که به حقیقت فلاح بداند تربیت نشده است. اگر هم ندر تا یکی چیزی آموخته است به آبادی ملک پدرش نپرداخته ... ممالک مترقی برای هر حرفه، نجاری، آهنگری، خانه‌داری، آشپزی، خیاطی و غیره مدرسه دارند. مدرسه باید کار آگاهان سربیزیر بسازند نه مفسدان سر به هوا... این راه بگویم عالم به هر فنی بیش از حاجت، وجود معطله خواهد بود.^{۱۵}

کتاب‌های درسی مدارس جدید تا ۱۳۰۷

نخستین مدرسه ابتدایی به سبک جدید ۳۷ سال و نخستین دبیرستان ۴۷ سال پس از تأسیس دارالفنون یک مرکز آموزش عالی بود،

۳. کتاب تشریح بدن الانسان، پولاک، تهران: ۱۲۷۰ ق، ۳۵۵ صفحه.

۴. کتاب جبر و مقابله، مؤلف بهلر فرانسوی، ترجمه: عبدالرسول خان مهندس اصفهانی، به اهتمام رضاقلی هدایت، ناظم مدرسه دارالفنون، ۲۵۶ ص.

۵. زبده الابدان، جان. ال. شلیمر فلمنکی به دستگیری محمد تقی بن محمد هاشم انصاری طبیب کاشانی، ۱۲۷۹ ق.

۶. زبده الحکمه، پولاک نمساوی؛ گردآوری میرزا علی نقی آقا محمد اسماعیل، تهران: ۱۲۷۲ ق.

۷. جراحی: مشتمل بر دو جلد و یک رساله در بحالی، پولاک نمساوی، تهران: ۱۲۷۳، ۳ ج، در یک مجلد.

نخستین کتاب‌های درسی را، پس از چند سال که استادان خارجی در کلاس‌ها به طور عملی تدریس کرده بودند، مترجمان آنان با استفاده از یادداشت‌هایی که خود آماده ساخته بودند و یا کتاب‌هایی که آن استادان از خارج آورده یا در ایران نوشته بودند، فراهم آوردند

نخستین کتاب فیزیک

نخستین کتاب درسی فیزیک در ایران در سال ۱۲۷۴ ق (مطابق با ۱۲۳۶ شمسی / ۱۸۵۷ میلادی) در تهران به صورت چاپ سنگی به طبع رسید. نویسنده کتاب موسیو آگوست کریشیش نمساوی (اتریشی) استاد فیزیک مدرسه دارالفنون بود. این کتاب را میرزا زکی مازندرانی با عنوان جراثقال و حکمت طبیعی به زبان فارسی ترجمه کرد و در چاپخانه دارالفنون به چاپ رساند.^{۱۶}

کتاب فیزیک ترجمه میرزا زکی مازندرانی از جهت واژه‌ها، اصطلاحات علمی که نخستین بار در زبان فارسی بر گزیده و به کار برده شده، به لحاظ تعریف بعضی مفاهیم و کمیت‌های فیزیکی و تغییراتی که در طول یک قرن و نیم گذشته برای آن‌ها صورت گرفته و از نظر تاریخ علم آموزنده است. شادروان هوشنگ شریف زاده، که از شیفتگان و آگاهان نسبت به علم و آموزش در ایران بود به تنقیح این کتاب همت گماشت و با همکاری خانم مهرناز طلوع شمس این کتاب را با اضافاتی برای چاپ مجدد به مرکز نشر دانشگاهی سپردند که امید است به زور طبع آراسته شود.

علاوه بر استادان، فارغ التحصیلان دارالفنون هم به نوشتن کتاب‌های درسی دست زدند. مثلاً آقاخان مصفا ملقب به محاسب‌الدوله که از نخستین شاگردان دارالفنون است، تاریخچه مدرسه دارالفنون^{۱۷} را نوشته و در آن متذکر شده است:

نظر به این که نسخه مؤجز و مفیدی از جبر و مقابله به طبع نرسیده بود یک کتابی در جبر و مقابله تألیف نمودم و به طبع رساندم. کتابی هم در علم حساب تألیف کردم. یک نسخه جرتفیل ترجمه کردم و یک



مدارس را به یک دوره مختصر از علم فیزیک می‌داشتند بنده را محرک شدند که بعضی تصاویر بر آن کتاب ملحق نموده و آن را به طبع برسانم ... ۱۳۲۷ بنده شرمنده محمد علی بن فروغی (ذکاءالملک).^{۱۷}

کتاب‌های وزارتی

در سال ۱۲۹۰ شمسی قانون اساسی وزارت معارف به تصویب رسید و تعلیمات عمومی و اجباری جزو وظایف

دولت قرار گرفت. نظام آموزشی چهار نوع مدرسه داشت: مکاتب ابتدایی دهکده، مکاتب ابتدایی بلده، مدارس متوسطه و مدارس عالی. بر طبق این قانون همه دستگاه‌های تعلیم و تربیت دولتی و خصوصی با برنامه یکسان، زیر نظارت دولت قرار گرفت و دوره تعلیمات ابتدایی شش سال و تعلیمات متوسطه نیز شش سال مقرر شد. بر اساس این قانون دولت به تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در سراسر کشور دست زد و دارالمعلمین (دانشسرای مقدماتی) برای تربیت دبیر تأسیس شد.

در سال ۱۳۰۰ شمسی قانون شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید. مطابق این قانون کل امور مدارس شامل سازمان، برنامه، امتحانات، استخدام معلم، مدت زمان آموزش در سطح کشور یکسان شد و مؤلفان ملزم شدند کتاب‌های درسی را مطابق برنامه‌ای که از طرف وزارت معارف^{۱۸} به آنان ابلاغ می‌شد، تألیف کنند. در همین برنامه بود که آموزش علوم در ایران از دوره ابتدایی آغاز شد و کتاب‌هایی نیز برای آموزش علوم نوشته شد.

البته این برنامه سه چهار سال بیشتر دوام نیاورد و به دلیل کمبود کاغذ و مشکل چاپ تدریس علوم در مدارس ابتدایی به یک درس به نام علم الاشیاء، آن هم برای کلاس پنجم دبستان منحصر شد. در سال ۱۳۰۷ شمسی در زمان وزارت قراقرز (اعتمادالدوله) تهیه کتاب‌های درسی ابتدایی بر عهده وزارت معارف قرار گرفت و نخستین بار کتاب‌های وزارتی در سطح کشور انتشار یافت.

کتاب‌هایی که به راهنمایی و سرپرستی وزارت فرهنگ انتشار یافت از لحاظ مفاهیم علمی و ادبی متناسب با نیاز سنی دانش‌آموزان و احتیاجات اجتماعی آنان بود و نسبت به کتاب‌های قبلی ارزان‌تر و از نظر چاپ هم مرغوب‌تر بود و مشکل تحصیل دانش‌آموزان از نظر کتاب برطرف شد.

به دنبال نتیجه‌ای که از چاپ و انتشار کتاب‌های دبستانی حاصل شد تهیه کتاب‌های دبیرستانی هم مورد توجه وزارت معارف قرار گرفت و در ۲۷ مه ماه ۱۳۱۷ تصویب نامه‌ای از هیئت وزیران گذشت که در آن نگارش کتب دبیرستانی را نیز بر عهده وزارت معارف قرار داد. به دنبال این تصویب نامه کمیسیونی از دبیران، دانشیاران و استادان در هر موضوع تشکیل شد تا کتاب‌های دبیرستان

- شجره طیبه در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزا یحیی دولت‌آبادی
- تاریخ مختصر ایران از محمد علی فروغی
ذکاءالملک

- جغرافیا از میرزا رضا خان مهندس الملک
کتاب‌هایی که برای دوره ابتدایی نوشته می‌شد بر اساس سلیقه و تجارب نویسنده بود و هدف و برنامه، همان اندیشه‌های نویسنده بود که اغلب با شرایط سنی کودکان و مسائل یادگیری آن مطابقت نداشت.

نخستین مدرسه متوسطه در ایران^{۱۴} در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۲۷۵ ش به نام مدرسه علمیه تأسیس شد. در این مدرسه علاوه بر درس‌های ادبی، درس‌های فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی نیز تدریس می‌شد. اما این درس‌ها کتاب و برنامه منظمی نداشتند. معلمان نیز برای تدریس آموزش اختصاصی ندیده بودند. اغلب این معلمان از کتاب‌ها و جزوه‌هایی که خود در دارالفنون داشتند در کلاس درس جزوه می‌گفتند و بچه‌ها می‌نوشتند. به این ترتیب، جزوه نویسی مهم‌ترین فعالیت آموزشی بود که متأسفانه در بعضی کلاس‌ها هنوز ادامه دارد.

یکی از محصلان خوب دارالفنون علی خان مهندس^{۱۵}، پسر قاسم است. نامبرده پس از گذراندن دوره تحصیلات خود در دارالفنون به فرانسه اعزام شد و در آن جا دوره توپخانه را گذراند. او پس از بازگشت به ایران به معلمی توپخانه دارالفنون برگزیده شد و در این مدت تعدادی کتاب تألیف کرد. یکی از این کتاب‌ها که در دارالفنون مدت‌ها تدریس می‌شد کتاب "حکمت طبیعی، اصول علم فیزیک" بود. موضوع این کتاب مکانیک جامدها، مکانیک سازه‌ها، گرما، الکتروسیسته و مغناطیس بود. نخستین چاپ این کتاب در سال ۱۲۹۵ هجری قمری برابر ۱۲۵۶ شمسی بود.^{۱۶}

پس از تأسیس مدارس جدید به تدریج تألیف کتاب‌های درسی مدارس متوسطه آغاز شد. میرزا محمد علی خان فروغی، ذکاءالملک، از افراد آگاهی که در نوشتن کتاب درسی پیش قدم بوده است، نخستین کتاب فیزیک را برای دوره دبیرستان نوشته است. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم:

... بعد الحمد والصلوه ۹-۸ سال قبل این بنده در مدرسه علمیه که از مدارس متوسطه شهر طهران محسوب می‌شود سمت معلم علم فیزیک را داشتم و سه دوره این علم را برای سه طبقه از طبقات متعلمین آن مدرسه تدریس نمودم و دوره اول را به مقتضای استعداد محصلین بالنسبه مفصل گفتم و دوره دوم و سوم را که کم‌قوه‌تر بودند مختصر کردم و از آن جا که کتابی در این علم مناسب تدریس طبقات مزبور موجود نبود، مطالب را از خارج برای شاگردان تقریر می‌نمودم و می‌نوشتند. تقریراتی که برای طبقات دوم و سوم کرده بودم چون جمع و تدوین شد به صورت کتابی در آمد. در این اوقات بعضی از دوستان آن را پسندیده و چون احتیاج

و تألیف نمایند. بر طبق این آیین نامه مقرر شد همه کتاب‌های دبیرستانی بر طبق یک اسلوب مطلوب و موافق با اصول آموزش و پرورش نگارش یابد، به طوری که علاوه بر مواد علمی و ادبی، مؤید خصال ملی و ملکات راسخه باشد که از عهد باستان سرشته نهاد ایرانیان بوده است.

به دنبال این اقدام مؤثر در مدت سه سال، هشتاد جلد کتاب دبیرستانی به سرمایه وزارت فرهنگ منتشر شد. این کتاب‌ها که به عنوان کتاب‌های وزارتی معروف بودند از نظر صحت مطالب و زیبایی چاپ و نوع کاغذ و جلدسازی نسبت به کتاب‌های قبلی در سطح بسیار ممتازی قرار گرفتند. افرادی که در هر یک از گروه‌های درسی شرکت داشتند از موجه‌ترین و شایسته‌ترین افراد متخصص و صاحب نظر آن زمان بودند.^{۱۹} حق تألیف این کتاب‌ها از راه فروش آن‌ها تأمین می‌شد و با وجود پرداخت حق التألیف مناسب، بهای هر کتاب بسیار ارزان بود.

از ایراداتی که به کتاب‌های وزارتی گرفته می‌شد، یکی استفاده از اصطلاحاتی بود که فرهنگستان ایران انتخاب و توصیه کرده بود و بسیاری از آن‌ها هنوز در ذهن معلمان جای نگرفته بود و دیگر آن که اغلب مفاهیم علمی و ادبی از سطح یادگیری دانش‌آموزان متوسطه بالاتر بود. به هر حال، تعداد دبیرستان‌ها و دانش‌آموزان کشور هم خیلی زیاد نبود و وزارتخانه در سال‌های نخستین به خوبی توانست نیاز دانش‌آموزان را برطرف سازد.^{۲۰}

آزادی تألیف کتاب‌های درسی

در شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفقین به کشور ما وارد شدند و آثار شوم جنگ دوم جهانی در ایران ظاهر شد. بهای کالاها و خدمات در کشور افزایش و درآمد دولت کاهش یافت. چاپ و توزیع کتاب‌های درسی هم با اشکالات فراوان رو به رو شد و اصولاً تصدی امور بازرگانی به وسیله دولت مورد شک قرار گرفت و بسیاری از کارها که به وسیله دولت اداره می‌شد به بخش خصوصی منتقل شد. آزادی تألیف کتاب‌های درسی هم بحث گرم روز شد و آنان که منافعی در این راه برای خود متصور بودند به پا خاستند و از رقابت علمی و آزادی چاپ و تألیف سخن گفتند و دلایلی بر تأیید نظر خود اعلام کردند. وزارت فرهنگ نیز که در فکر کاهش مسئولیت خود بود تألیف و تهیه کتاب درسی را آزاد اعلام کرد (۱۳۲۴).

آزادی تألیف گرچه بسیاری از افراد را به تحقیق و

ماده ۴. تا زمانی که متن تمام یا بعضی از کتاب‌های دبیرستانی از طرف هیئت مذکور در ماده ۲ تهیه نشده وزارت فرهنگ می‌تواند از بین تألیفات موجوده موقتاً یک کتاب را برای تدریس هر ماده درسی انتخاب و بر طبق مقررات این تصویب نامه منتشر کند.^{۲۴}

به دنبال این تصویب نامه سه کار اساسی زیر صوت گرفت:

۱. تشکیل شرکت سهامی طبع و نشر کتب درسی، که قرارداد چاپ و توزیع کتاب‌های درسی به آن واگذار شد.

۲. تشکیل ۱۴ کمیسیون با شرکت ۶۳ نفر از استادان و دبیران کارآموده برای انتخاب یک کتاب برای هر ماده درسی.

۳. تهیه اساس نامه سازمان کتاب‌های درسی ایران و به تصویب رساندن قانون آن.

ماده یک و دو این اساس نامه چنین است:

ماده ۱. به منظور تألیف و تهیه متون کتاب‌های درسی مورد نیاز دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشور یک مرکز علمی به نام سازمان کتاب‌های درسی ایران تحت نظر وزارت فرهنگ طبق مقررات زیر تأسیس می‌شود.

ماده ۲. سازمان دارای شخصیت مستقل حقوقی است و رئیس سازمان نماینده قانونی و مسئول اجرای آن و سرپرست دستگاه‌های اداری و علمی آن خواهد بود.

بر طبق مواد دیگر این تصویب نامه یک مرکز علمی، غیر انتفاعی به نام سازمان کتاب‌های درسی تشکیل می‌گردد تا کتاب‌های ایران را "با توجه به سنن مذهبی، علمی، فرهنگی و ملی و نیازمندی‌های حال و آینده کشور بر مبنای آخرین و صحیح‌ترین اطلاعات علمی و متناسب با اصول تعلیم و تربیت و استعداد دانش‌آموزان در سال‌ها و مراحل مختلف تحصیل و رعایت نظم طبیعی و منطقی و همراه با تصاویر لازم آماده گردد و سادگی و روانی عبارات و هماهنگی اصطلاحات علمی و املائی واحد صحیح و اصول نقطه گذاری در آن‌ها ملحوظ گردد."

به دنبال این اساس نامه مقدمات تشکیل سازمان کتاب‌های درسی ایران فراهم شد و سرانجام نخستین جلسه هیئت امنای آن با شرکت آقایان دکتر خانلری، دکتر ضیایی، رضا اقصی، دکتر محمود بهزاد و پروفسور فاطمی در ۱۳۴۳/۸/۱۴ تشکیل شد و آقای دکتر محمود بهزاد با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب هیئت دولت به مدت سه سال به ریاست سازمان کتاب‌های درسی ایران منصوب شد.

تشکیل سازمان کتاب‌های درسی، در همان سال اول نتیجه داد و مشکلات کمبود کتاب‌های درسی از بین رفت. دکتر مظاهر مصفا مدیر ماهنامه آموزش و پرورش در مهر ماه ۱۳۴۳ می‌نویسد:

«سهولت و سرعت کار در امر توزیع و انتشار، کم نظیر و در خور همه گونه ستایش و تقدیر بود...

و باید به یاد داشت که هر کار درست که امروز با نیت پاک و نیالوده و هوش و متانت آغاز کنیم در تضمین و تأمین صحت و سرعت کارهای فردا پایه اصلی و اساسی خواهد بود

می‌کنم و با کمترین قیمت می‌فروشم و از این کتاب فروشی‌ها و طمع کاری و تعدی بعضی افراد به بچه‌ها جلوگیری می‌کنیم. نه تو پول تألیف بگیری، نه من پول اضافه».

یک دستگاه چاپ دستی داشت که خودش با آن کار می‌کرد و همه زحمت چاپ و انتشار را خود بر عهده داشت. خودش پول کاغذ و مرکب را حساب کرد و قیمت کتاب‌ها، هر کدام ۱۰ ریال گذاشته شد. کتاب‌ها گرفت، بازار را شکست، مردم خیلی راضی شدند و شهرتی برای او و پرویز شهریاری به دست آمد. کلاله خاور شهرت یافت و پس از چندی کار بالا گرفت و خدمتی جانانه با مساعدت آن مرد بزرگ انجام شد.^{۲۳}

تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران

در ۲۴ شهریور ۱۳۲۴ دکتر پرویز نائل خانلری وزیر فرهنگ درباره کتاب‌های درسی چنین گفت:

«وضع کتاب‌های درسی ایران در سال‌های اخیر از نظر ابتذال محتویات و تنوع بی حد و حصر، گرانی آنها، زد و بندها و سوءاستفاده‌هایی که در کارها بود به جایی رسید که می‌بایست تصمیمات قاطعی به نفع مردم گرفته شود و آن فساد و هرج و مرج پایان یابد.» این تصمیم قاطع در جلسه‌ای به تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ هیئت وزیران به صورت تصویب نامه زیر اعلام شد.

به منظور بهبود وضع کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و تهیه متن کتاب‌هایی که متناسب با پیشرفت علم و فرهنگ و ارزانی بها و توزیع منظم باشد هیئت وزیران تصویب نمودند:

ماده ۱. تألیف و تهیه کتاب‌های درسی دبستان و دبیرستان از این تاریخ منحصراً بر عهده وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش کنونی) است.

ماده ۲. برای تهیه متون این کتاب‌ها هیئتی در وزارت فرهنگ مرکب از عده‌ای از دبیران و استادان و سایر دانشمندان به تشخیص و دعوت وزارت مزبور تشکیل می‌گردد.

ماده ۳. مادامی که چاپخانه‌های وزارت فرهنگ یا دولتی تا آن حد مجهز نشده است که بتواند کلیه کتاب‌های مورد نیاز را تهیه کند، وزارت فرهنگ می‌تواند چاپ و توزیع این کتاب‌ها را به شرکتی مرکب از ناشران و کتابفروشان که صلاحیت فنی و علمی و مالی آنان مورد تأیید وزارت فرهنگ قرار گیرد برای مدت معینی واگذار نماید.

نوشتن تشویق کرد، لیکن چون راهنمایی و نظارت دقیقی به دنبال نداشت با خود نایبامانی‌های فراوان به همراه آورد و نتایج مطلوب حاصل نشد. برخی از مشکلات چنین بود:

۱. به کار بردن اصطلاحات متفاوت به وسیله مؤلفین در انواع کتاب‌های یک ماده درسی.

۲. نابرابری کیفیت و کمیت کتاب‌هایی که در کلاس‌های مختلف برای یک ماده درسی تدریس می‌شد.

۳. گران بودن بهای کتاب‌های درسی با وجود بالا بودن تیراژ آن‌ها.

۴. عوض شدن کتاب درسی با جابه جا شدن معلمان به طوری که گزارش‌هایی به بازرسی رسیده بود که در یک شهر دانش‌آموزان در یک سال هفت بار کتاب عوض کرده‌اند.^{۲۱}

۵. زبان‌های ناشران و کتاب‌فروشان از تعویض و تغییر کتاب‌ها و راکد ماندن سرمایه آنان.

۶. دسته بندی‌های فرهنگی و تشکیل گروه‌هایی برای اعمال قدرت در فرهنگ کشور.

۷. نرسیدن به موقع کتاب و ایجاد بازار سیاه و بی‌دقتی در چاپ و اغلب اعمال مسایل سیاسی در آموزش و پرورش.

به مدت بیست سال تألیف کتاب‌های درسی آزاد شد، به امید آن که رقابت آزاد باعث اعتلای کتاب‌های درسی شود. اما نتیجه مطلوب حاصل نشد و انتقاداتی از هر طرف آغاز شد. تا آن‌جا که اعلام شد "کتاب‌های درسی در ایران ملعبه دست عده‌ای ناشر سوداگر و مؤلف بی‌دقت و وزارت فرهنگ بی‌تصمیم است"^{۲۲} مرحوم جلال آل احمد مقاله "لبشوی کتاب‌های درسی" را در همین مورد نوشت.

با وجود آن که در سال ۱۳۳۵ شورای عالی فرهنگ اساس نامه‌ای راجع به کتاب‌های درسی دبیرستان‌ها و موضوع چاپ و توزیع و بهای آن‌ها تصویب کرد و کمیسیون‌هایی برای حصول اطمینان از صحت مطالب، هماهنگی با برنامه‌ها، رعایت نظم منطقی، هماهنگی اصطلاحات و سادگی و روانی عبارات و ملاحظات تربیتی، تشکیل داد باز هم نتیجه‌بخشید و گره کار نگشود. به ناچار وزارت فرهنگ تألیف و نشر کتاب را دوباره به موجب تصویب نامه مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ خود بر عهده گرفت. ابوالقاسم پور حسینی می‌نویسد:

از سال ۱۳۲۵ تا مرداد ۱۳۳۲ انتشار کتاب‌های درسی آزاد شده بود و وزارت معارف [فرهنگ] با تعیین برنامه چاپ کتاب‌های درسی را آزاد گذاشته بود. دبیران گروه گروه و دسته دسته جمع شده بودند و کتاب درسی می‌نوشتند و بعضی ناشران، کتاب‌های آنان را به فروش می‌رساندند. قیمت کتاب‌ها دلخواه ناشر بود و تبلیغات کتب درسی و بازار رشوه و غیره هم گویا رواج داشت. هر کسی می‌توانست با اعمال نفوذ و توصیه‌های اولیای معارف سفارش نامه‌ای بگیرد. روزی محمد رضانی [صاحب انتشاراتی کلاله خاور] دست پرویز [شهریاری] را گرفت و برد توی پستو و گفت:

«می‌دانم علی‌الظاهر آزاده‌ای و مبارزه سیاسی هم می‌کنی و با فساد و دزدی و احتکار هم مخالفی. بیا و یک کار بکنیم. تو بیا هفت کتاب ریاضی برای دوره اول دبیرستان بنویس. من آن‌ها را چاپ

سهولت و سرعت کار در امر

توزیع و انتشار، کم نظیر و در

خور همه گونه ستایش و تقدیر بود...

و باید به یاد داشت که هر کار درست

که امروز با نیت پاک و نیالوده و

هوش و متانت آغاز کنیم در تضمین

و تأمین صحت و سرعت کارهای

فردا پایه اصلی و اساسی خواهد بود

تقدیر بود... و باید به یاد داشت که هر کار درست که امروز با نیت پاک و نیالوده و هوش و متانت آغاز کنیم در تضمین و تأمین صحت و سرعت کارهای فردا پایه اصلی و اساسی خواهد بود. همتی که کارگزاران فرهنگ و دانشمندان بلند پایه و گران سنگ در فراهم کردن متن مهذب و مطلوب کتاب‌های درسی در کار کرده‌اند شایسته هر گونه تحسین و تشویق و آفرین است که رنج برده‌اند و گنج آورده و خون خورده و مشک پرورده‌اند»^{۲۵}

سازمان کتاب‌های درسی، برای انجام مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته بود، از افراد ذیل جهت همکاری دعوت به عمل می‌آورد: عبدالحسین مصحفی، غلامرضا عسجدی، میرزا جلیلی، حسین مجذوب (در علوم ریاضی)، باقر مظفر زاده، حسین دانشفر، هوشنگ شریفزاده، اکبر نوروزی، احمد خواجه نصیر طوسی (در علوم تجربی)، مرحوم دکتر محمد حسین حسینی بهشتی (در علوم دینی)، دکتر حسن انوری، دکتر رسول شایسته (در ادبیات فارسی) و شادروان خلیلی فر (در جغرافی). لازم است از مجتبی جعفری معروف به دانش که بیش از چهار سال در چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ایران صادقانه و آگاهانه خدمت کرد، نام برده شود.

تغییر نظام آموزش و پرورش و کتاب درسی

در سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی ایران از نظر هدف، برنامه و مواد آموزشی تغییر کرد. مقاطع تحصیلی از دو مقطع ابتدایی و متوسطه به سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تغییر کرد. تعداد رشته‌ها و مواد درسی نسبت به گذشته افزایش کلی یافت. تهیه برنامه و تعیین سرفصل‌های هر ماده درسی بر عهده دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی قرار گرفت و تألیف کتاب و چاپ و توزیع آن بر عهده سازمان کتاب‌های درسی ایران بود. حجم کار بسیار زیاد، مسئولیت بسیار سنگین و نیروی کار اندک بود. با وجود این سازمان کتاب‌های درسی ایران در مقاطع ابتدایی و راهنمایی توانست کتاب‌های درسی را به موقع تألیف، چاپ و توزیع کند.

در نظام جدید آموزش و پرورش، درس‌هایی مانند هنر و علوم تجربی از کلاس اول ابتدایی در برنامه قرار گرفت. برای هر کتاب دانش آموز یک کتاب روش تدریس یا راهنمای معلم تهیه شد. کتاب دانش آموز و کتاب معلم از نخستین سال شروع کار نظام جدید با هم توزیع شد. کتاب‌های دبستان و راهنمایی بر اساس اصول یادگیری و توجه به نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان تألیف شد و از نظر چاپ و کاغذ و جلد سازی با کتاب‌های گذشته تفاوت فاحش داشت. این کتاب‌ها همه به صورت رنگی چاپ می‌شد و پیش از شروع سال تحصیلی در اختیار دانش‌آموزان

قرار می‌گرفت.

از سال ۱۳۵۳ سازمان کتاب درسی با دو مشکل عمده یکی موضوع تألیف، چاپ و توزیع رو به رو شد. تألیف کتاب‌های درسی برای رشته‌های متنوع و متفاوت دبیرستان کار آسانی نبود. لازم بود که در دوره متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای حدود ۵۰۰ عنوان کتاب بر طبق برنامه جدید تألیف شود. این انبوه کتاب برای نخستین بار کار آسانی نبود. بعضی از رشته‌ها کاملاً تازه و جدید بودند و هیچ کتابی پیش از آن به فارسی در موضوع آن‌ها نوشته نشده بود. از این رو انتخاب مؤلف ورزیده امکان نداشت و کار مؤلفین تازه هم با خطاهای زیاد همراه بود. از سوی دیگر چاپ این همه کتاب در کشور کار مشکلی بود. مثلاً طبق قرارداد لازم بود در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵۵ میلیون جلد کتاب در فاصله ۵ ماه چاپ و توزیع شود که آن هم مقدور نبود و اغلب دست‌نویس مؤلف دیرتر از موعد مقرر به چاپخانه ارسال می‌شد و چاپ و توزیع آن به تأخیر می‌افتاد.

گرچه مؤلفان کتاب‌های درسی و کارمندان کارگاه‌های فنی و هنری سازمان تلاش صادقانه کردند و به جای یک نوبت، به طور شبانه روزی کار می‌کردند تهیه این انبوه کتاب در مدت محدود مقدور نبود. علاوه بر این معلمان با محتوای کتاب‌ها آشنا نبودند و چون بعضی از کتاب‌ها به موقع به دست دانش‌آموزان نمی‌رسید تعدادی از کلاس‌ها به حالت نیمه تعطیل در آمد و موج انتقاد عمومی را برانگیخت. این انتقادها متوجه وزارت آموزش و پرورش شد به طوری که کارایی نظام جدید مورد شک قرار گرفت و به جای آن که کاستی‌ها جبران شود تغییر و تبدیل‌های تازه‌ای روی برنامه‌ها و کتاب‌ها انجام شد که اغلب با شتابزدگی و بدون مطالعه همراه بود به طوری که بیش از آن که نظام جدید آموزش و پرورش محصول خود را به جامعه عرضه کند به صورت یک نظام غیر کارآمد و مشکل ساز معرفی شد و پشتیبانی عمومی را از دست داد.

سازمان کتاب‌های درسی ایران علاوه بر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (رشته‌های مختلف) تألیف و چاپ کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان مراکز تربیت معلم، دانشسراهای مقدماتی و دانشسراهای راهنمایی را بر عهده داشت. این سازمان در آخرین سال پیش از انقلاب، برای سال تحصیلی ۵۸-۵۷ جمعا ۶۳۶ عنوان کتاب درسی تألیف و چاپ کرد. تیراژ مجموع این کتاب‌ها بالغ بر ۷۰ میلیون جلد کتاب بود.

به مدت بیست سال تألیف کتاب‌های درسی آزاد شد، به امید آن که رقابت آزاد باعث اعتدالی کتاب‌های درسی شود

انجام داد. کتاب‌هایی که برای اولین بار در آن سازمان تألیف شد از نظر درستی متن، تناسب با یادگیرنده، زیبایی چاپ و جلدبندی با کتاب‌های گذشته بسیار متفاوت بود. لیکن قرار بود معلم قبلاً آموزش لازم را ببیند و علاوه بر کتاب درسی از آزمایشگاه و کارگاه و فیلم و دیگر ابزارها و مواد آموزشی کمک بگیرد. اما همه وظایف انواع مواد آموزشی بر عهده کتاب قرار گرفت آن هم اغلب با تأخیر به دست دانش‌آموز رسید و مشکلات دیگر اجتماعی و آموزشی هم به وجود آمد و چاره کار را در تأسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی یافتند.

قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کنونی) که مسئولیت کار تألیف و چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ایران را نیز بر عهده دارد در ۲۷ تیر ماه ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و تشکیل شد. مسئولیت این سازمان بسیار گسترده تر از تألیف کتاب درسی است. در این جا چند ماده از اساسنامه آن را ملاحظه می‌کنیم^{۲۶}.

ماده ۱. به منظور تحقیق و بررسی در مسائل کیفی آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتب درسی و آماده سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش، سازمانی به نام سازمان پژوهشی و نوسازی آموزشی که در این قانون سازمان نامیده می‌شود تشکیل می‌گردد.

ماده ۲. وظایف سازمان عبارت است از:

۱. پژوهش در محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به نیازمندی‌های کشور و توانایی و خصوصیت روانی دانش‌آموزان و تشخیص و تعیین هدف‌های هر دوره تحصیلی و تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی و تعیین نسبتهای مطلوب برای تحصیلات در سطوح و رشته‌های مختلف
۲. مطالعه و تنظیم روش‌های ساده در زمینه امتحانات ارزشیابی
۳. تهیه و تألیف و انتشار کتب و نشریات آموزشی و کمک آموزشی برای دانش‌آموزان و معلمان و مربیان
۴. تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی و اجرای طرح‌های آزمایشی به منظور ارزشیابی روش‌ها و وسایل آموزشی
۵. انجام دادن تحقیقات بنیادی در زمینه بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش
۶. تربیت کارشناسان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش

در ماده ۶ تشکیل این قانون آمده است که: از تاریخ این سازمان وظایف و اعتبارات و تعهدات سازمان کتاب‌های درسی به این سازمان منتقل می‌شود.

کتاب‌های درسی بزرگسالان

پس از انقلاب مشروطیت آموزش عمومی مورد توجه قرار گرفت و کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان در بعضی نقاط ایران تشکیل شد. این موضوع در سال ۱۳۰۵ بیشتر تقویت شد لیکن در سال ۱۳۱۵ رسمیت یافت. در این سال آیین نامه "تعلیمات اکابر" در هیئت دولت تصویب شد و دو سه عنوان کتاب درسی برای آموزش بزرگسالان، تألیف،

سازمان کتاب‌های درسی ایران طی ۱۵ سال از نظر تولید کتاب‌های درسی نوآوری‌های چشمگیری



چاپ، توزیع و تدریس شد. اما جنگ جهانی دوم و پیامدهای ناگوار آن سبب توقف برنامه‌های آموزشی بزرگسالان شد و حدود ۱۵ سال این فعالیت متوقف شد تا آن که در سال ۱۳۳۵ بار دیگر مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۱ سپاه دانش تشکیل شد و دو کتاب درسی سوادآموزی به کودکان و بزرگسالان تألیف و در اختیار آن قرار گرفت. در سال ۱۳۴۳ با تشکیل کمیته ملی پیکار جهانی با بی سواد موضوع تألیف کتاب درسی و کمک درسی برای بزرگسالان جدی تر شد و مسئولیت این کار را مستقیماً کمیته فوق برعهده گرفت. از سال ۱۳۴۴ کتاب بخوانیم و بنویسیم و راهنمای تدریس آن و پنج کتاب با عنوان بخوانیم و باسواد شویم تألیف و در کلاس های پیکار با بی سواد تدریس شد. سپس اداره کل آموزش بزرگسالان تأسیس شد و تألیف کتاب‌های درسی و جزوه هایی در زمینه بهداشت و تندرستی، جغرافیا و تاریخ ایران و دیگر مواد خواندنی را برای نوسادان برعهده گرفت.

بی نوشت:

۱. میرزا رضاخان یکی از پنج محصلی بود که عباس میرزا نایب السلطنه برای آموختن علوم و فنون جدید به انگلستان فرستاد. وی پس از چهار سال اقامت در لندن به ایران بازگشت و خدماتی در پیشرفت سپاه ایران در لشکرکشی محمدشاه به هرات انجام داد.
۲. نام کشور آتریش در آن زمان «همسه» بود. از این رو استادان آتریشی را نسلوی می‌گفتند.
۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه سوم ماه صفر ۱۲۶۸، گزارش کار را انتشار داده است.
۴. چاپخانه سنگی دارالفنون یا «دارالطباعة» علمیه مبارک که دارالفنون طهران همزمان با گشایش مدرسه کار خود را آغاز کرد. در آن چاپخانه از سال تأسیس (۱۲۶۸ق) تا حدود سال ۱۳۰۰ قمری نزدیک به ۴۰ عنوان کتاب درسی چاپ و صحافی شد. این چاپخانه تا سال ۱۳۲۶ ق برقرار بوده است.
۵. علیقلی میرزا ملقب به اعتمادالسلطنه (۱۲۳۸-۱۲۹۸ق) عموی ناصرالدین شاه و نخستین وزیر علوم و چهارمین رئیس دارالفنون بود. وی مردی دانش پرور بود که به تألیف چند کتاب همت گمارد و در سال ۱۲۸۰ قمری با جمع آوری کتاب‌های فارسی و خارجی کتابخانه دارالفنون را تأسیس کرد.
۶. رضاقلی خان (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق) در لغت، فلسفه، حکمت، عرفان، شعر و ادب فارسی و عربی و نوشتن تاریخ آگاهی و مهارت داشت. وی که چندین کتاب هم نوشته است، در نخستین سال‌های تأسیس مدرسه دارالفنون نزاعات و سرپرستی آن را برعهده داشت.
۷. در مقدمه این کتاب چنین آمده است: "...از جمله معلمین عالیجاه موسیو کریش نسلوی سرهنگ و معلم کل علوم توپخانه و هندسه است که در عرض این مدت با طبیعتی شایق و بنی صادق به تربیت شاگردان مخصوصه پرداخت و علوم ضروریه به ایشان آموخت تا هر یک قابل خدمت و لایق منصب شدند و از آن علوم سابقاً کتبی چند مرقوم و مطبوع افتاده و از آن جمله است این کتاب در تشریح و توضیح علم جرائف و علم حکمت طبیعی که از علوم غامضه مفید فایده است و چون دستیاری عالیجاه، میرزا زکی مازندرانی باور توپخانه و مترجم کامل مدرسه از لغت فرانسوی و پارسی متداوله نقل و تحویل افتاد به جهت تکسر قواید و تعدد رسائل در دارالطباعة نظام دارالفنون رضاقلی چندین مجلد انطباق یافت و در کتابخانه خاصه مدرسه مذکوره مجموع و مطبوع افتاد.
۸. اقبال یغمایی (۱۲۹۵-۱۲۷۶ق) - مدرسه دارالفنون به انضمام تاریخچه دارالفنون و مدارس شرف و علمیه سواد ۱۳۷۶.
۹. حاج مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) خاطرات و خطرات انتشارات زوار، ۱۳۷۵ چاپ چهارم، ۱۰ همن.
۱۱. حاج میرزا حسن رشیدی (۱۳۴۳-۱۲۶۷ق) از نخستین بنیان گذاران مدرسه جدید در ایران است. وی را به راستی پیر معارف و پدر مدرسه جدید در ایران لقب داده اند.
۱۲. دکتر اقبال قاسمی یوپا، مدارس جدید در دوره قاجاریه، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۸-۲۰۷.
۱۳. حاج سعید طباطبایی نایینی (متولد ۱۲۹۳ ق) یکی از افرادی است که در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان نقش مؤثری داشته است. وی بنیانگذار ۱۰ مدرسه،

- امیر کبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، چ ۹.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۴۳). الماثر والاثر. به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر، (۳ج).
- سلطانی فر، صدیقه و همکاران. (۱۳۷۶). فهرست کتاب‌های درسی چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- صدیق، دکتر عیسی. (۱۳۴۲). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- ۹. یادگار عمر، تهران: امیرکبیر (۳ج).
- قاسمی یوپا، دکتر اقبال. (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات جدید در ایران. دانشگاه تهران.
- موسوی گرمارودی، افسانه. (۱۳۸۲). مدرسه دارالفنون. به همت انجمن ترویج علم ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، خرداد.
- هاشمیان، احمد (یرج). (۱۳۷۹). تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی سحاب.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی. (۱۳۵۷). خاطرات و خطرات. انتشارات زوار.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۷۶). مدرسه دارالفنون، تهران: انتشارات سروا.

- یک کتابخانه و چاپخانه گلپه‌ار در اصفهان و مؤسس کتابخانه گوهرشاد مشهد است. وی ۱۸ جلد کتاب درسی برای دانش‌آموزان تألیف کرده است. رجوع کنید به نقش حاج سعید طباطبایی نایینی در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان، مجتبی ایمانه، یادمان فرهنگ ج ۱، موزه آموزش و پرورش اصفهان، صص ۴۹-۵۱.
۱۴. اسفندیار متمدنی. نخستین دبیرستان در ایران. مجله رشد معلم، سال ۱۸، ش ۱۳، آذر ۱۳۷۸، صص ۶۴-۶۲.
۱۵. میرزا علی خان سررتب (ناظم‌العلماء) تحصیل کرده مدرسه سن سیر فرانسه و از فعالان انجمن معارف تهران، مؤسس مدرسه علمیه و نظام مدرسه همایونی در اصفهان و مترجم کتاب تلماک و معلم توپخانه و مدیر دروس دارالفنون بود.
۱۶. فهرست کتب درسی چاپ سنگی ص ۱۵۳.
۱۷. محمدعلی فرقی (۱۳۲۱-۱۲۵۶). فیزیک، مقدمه، کتابخانه ایران.
۱۸. وزارت علوم در سال ۱۲۷۵ قمری برابر ۱۲۳۷ شمسی تأسیس شد. در سال ۱۲۸۵ قمری برابر ۱۲۴۷ شمسی نام آن به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر کرد. در خرداد ۱۳۱۴ شمسی نام آن وزارت فرهنگ شد. در آذر ۱۳۲۲ به دو وزارت خانه تقسیم شد: یکی وزارت فرهنگ و هنر و دیگری وزارت آموزش و پرورش. در بهمن ۱۳۴۶ نام وزارت فرهنگ و هنر به وزارت علوم و آموزش عالی تغییر کرد.
۱۹. دکتر محمود حبیبی (استاد دانشگاه)، دکتر کمال جناب (دانشیار)، دکتر لعلت الله روشن زائر (دانشیار)، مرتضی قلی اسفندیاری (دبیر) و مدنی گرگانی (دبیر) مؤلفین کتاب‌های فیزیک سال سوم دبیرستان بودند. عبدالحمین شیبانی (استاد دانشگاه)، غلامرضا رشید یاسمی (استاد دانشگاه)، دکتر رضا زاده شفق (استاد دانشگاه)، نصرالله فلسفی (استاد دانشگاه) و حسین فرهودی (دبیر) مؤلفین کتاب‌های تاریخ بودند.
۲۰. تعداد دبیرستان هادی دو سال از ۱۸۰ به ۲۱۷ باب رسید. سالنامه مجله تعلیم و تربیت ۱۳۱۷.
۲۱. دکتر ریاحی. کتاب درسی. ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۴ سال سی و سوم، خرداد ۱۳۴۲، ص ۹.
۲۲. همان.
۲۳. ابوالقاسم پورحسینی. زندگینامه استاد پرویز شهریاری. نشر مهجار، ۱۳۸۱.
۲۴. تصویب نامه هیئت وزیران.
۲۵. ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۵، دوره سی و چهارم، مهرماه ۱۳۴۳، ص ۹.
۲۶. اساسنامه سازمان پژوهش و نوآوری آموزشی، مصوب ۱۳۵۵/۴/۲۷ مجلس شورای ملی.

منابع:

- آراین پور، یحیی. (۱۳۵۳). از صبا تا نیما.
- تهران، انتشارات حبیبی، (۲ج).
- آدمیت، فریدون.
- (۱۳۸۰).